



## ژاله اصفهانی زن ایرانی

تو فخر خلقتی ای زن!  
تو مادر بشری،  
شکوه روح تو  
زیبائی مقدس تو  
همیشه منشاء الهام شاعران بوده ست  
تو خود سرودی و شعری  
حماسه و هنری...

مباد، ای زن ایرانی!  
ای زن بیدار  
که سرنوشت تو در دست دیگران باشد  
به قرن فتح فضا،  
که زن به جای فرشته، به آسمان رفته ست،  
چرا وجود تو در پرده ای نهان باشد؟  
شکوه پاکی روح تو، پوشش تن تو ست  
ورهنمای تو، اندیشه های روشن تو ست  
کسی که گفت،  
«ز مویت شراره می بارد»  
درست گفت.

شراره به جان ناپاکان  
شرار خشم به بد گوهری که پندارد  
عروسکی تو،  
متاعی و نیمه انسانی  
ز رشد عصر به دوری  
جدا ز دورانی.  
من این حدیث کهن را، چرا کنم آغاز:  
که مرغ جامعه با هر دو بال نیرومند  
یکی زن و دیگری مرد، می کند پرواز.  
چو شیر و شیره ی جان ترا خورد فرزند،  
فرا ترست مقامت از آسمان بلند  
تو مادری و تو سربازی و تو دانشمند  
که روشن است به روی تو،  
چشم میهن تو.

تو در نبرد دلیرانه ی زمانه ی ما،  
بسا شهید که دادی به راه آزادی  
بسا به سنگر خونبار، کرده ای پیکار  
که از اسارت اعصار غم رها گردی  
و پیشتاز رهائی نسل ها گردی.

امیدوارم و دارم به این امید ایمان،  
که در کسوف نمایی، تو ای زن ایران!